



بصیرت‌مداری جامعه قرآنی؛ لازمه تصدی هدایت از سوی این جامعه

اگر قرار است کسی متصدی هدایت شود، باید جامعه قرآنی باشد، اما از این جهت که نمی‌توان در عمل به شناخت صرف مؤلفه‌های قرآنی هدایت جامعه اکتفا کرد، این جامعه بایستی مؤلفه‌های دیگری را نیز به خود ضمیمه کند تا حائز وصف بصیرت‌مداری شده و جامعه را به سمت مطلوب هدایت کند.

اگر قرار است کسی متصدی هدایت شود، باید جامعه قرآنی باشد، اما از این جهت که نمی‌توان در عمل به شناخت صرف مؤلفه‌های قرآنی هدایت جامعه اکتفا کرد، این جامعه بایستی مؤلفه‌های دیگری را نیز به خود ضمیمه کند تا حائز وصف بصیرت‌مداری شده و جامعه را به سمت مطلوب هدایت کند.

حجت‌الاسلام و المسلمین سیدسجاد ایزدهی، مدیر گروه سیاست پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، درباره نقش جامعه قرآنی در هدایت‌گری سیاسی و اجتماعی جامعه گفت: با توجه به این که در هر جامعه‌ای راهبری قوم بر عهده نخبگان و خواص آن جامعه قرار دارد و آن‌ها هستند که عملاً سایر مردم را، که ممکن است از تحلیل اوضاع و شرایط ناتوان باشند، راهبری می‌کنند، جامعه اسلامی نیز این چنین است و از این امر مستثنی نیست.

ایزدهی افزود: اما آن چه که فضای جامعه اسلامی ما و نخبگان این جامعه را و به تبع آن تأثیرگذاری و تأثیرپذیری آنان را متمایز می‌کند، این است که وحی از مهم‌ترین شاخص‌ها و ارکان این جامعه اسلامی است و ارکان این جامعه را در باور توده مردم، امورات و حیانی و قرآن و روایات بر می‌سازد و شکل می‌دهد و حکومت نیز حکومتی اسلامی است و یا خواهد بود که بر این مبانی استوار شده است.

نقش مهم جامعه قرآنی در راهبری اجتماعی، به واسطه آگاهی از معارف و راه‌های پیشرفت به سوی آرمان‌ها

وی در خصوص نقش راهبرانه جامعه قرآنی بیان کرد: با توجه به نکته‌ای که درباره نقش راهبری نخبگان و خواص گفته شد، نقش جامعه قرآنی که عمده‌تاً از معارف قرآنی بیشتری بهره‌مندند و راهکارهای اساسی نظام و حکومت و جامعه و راه‌های پیشرفت به سوی آرمان‌ها را می‌شناسند، نقش مهم‌تری به نسبت سایرین در راهبری جامعه دارند.

جامعه قرآنی جامعه‌ای است که در عین حال که از معارف قرآن آگاه است و از مجموعه سازمان‌دهی شده و غایت‌مداری از آموزه‌های قرآنی در راستای رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی آگاه است، علاوه بر این، باید به یک سری از مؤلفه‌های بیرونی و خارجی نیز واقف باشد

ایزدهی ادامه داد: ممکن است در جامعه، افرادی تحلیل‌گر سیاسی یا تحلیل‌گر اجتماعی باشند، اما آن‌ها ترجیحاً نه به آن غایاتی که در قرآن برای یک جامعه مطلوب برشمرده شده آگاهند و نه به راهکارهای رسیدن به آن غایات واقفند. به همین خاطر اگر قرار باشد که کسی هدایت‌گر باشد، به معنای اعم کلمه توده مردم را و به معنای خاص کلمه، جامعه و نظام سیاسی را، آن را باید در جامعه قرآنی جستجو کرد.

وی با متذکر شدن این نکته که طبیعتاً مراد از جامعه قرآنی این نیست که برای مثال فردی فقط قرائت خوبی دارد یا ادبیات خوبی از قرآن را متوجه می‌شود، عنوان کرد: جامعه قرآنی جامعه‌ای است که مجموعه معارف قرآن را در راستای رسیدن به فلاح و صلاح خوب تشخیص می‌دهد، غایات جامعه را به خوبی می‌شناسد و راه‌های رسیدن به آن‌ها را هم درک می‌کند.

ضرورت همراه شدن تقوای درونی با برخی مؤلفه‌های دیگر به منظور منجر شدن به بصیرت هدایت‌گرانه

مدیر گروه سیاست پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در راستای همین مطلب به مقوله بصیرت اشاره کرد و گفت: وقتی که صحبت از هدایت می‌شود، صحبت از بصیرت هم در کنار آن مطرح می‌شود؛ بدین معنا که اگر قرار است کسی جامعه را هدایت کند باید دارای بصیرت باشد.

اگر قرار باشد که کسی هدایتگر باشد، به معنای اعم کلمه توده مردم را و به معنای خاص کلمه، جامعه و نظام سیاسی را، آن را باید در جامعه قرآنی جستجو کرد

ایزدهی بصیرت هدایت‌گرانه را دربرگیرنده مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها خواند و بیان کرد: بصیرت برآمده از تقوای درونی و رفتارهای مبتنی بر این تقواست و تا تقوای درونی نباشد بصیرتی حاصل نمی‌شود. بنابراین يك وجه بصیرت همان روشن‌بینی مبتنی بر نفس پاک است، اما این روشن‌بینی بایستی با برخی مؤلفه‌های دیگر نیز همراه شود.

وی گفت: آگاهی از اوضاع روز جامعه، توانایی تحلیل شرایط، شناسایی دوست از دشمن، این که ما به چه کسانی دل ببندیم و چه کسانی الگوی ما قرار گیرند و این که چه کسی ولیّ ما باشد، مجموعه‌ای از این مؤلفه‌هاست که اگر کسانی که در سلك جامعه قرآنی قرار دارند، به این‌ها توجه نکنند، با وجود علم به قرآن، هیچ‌گاه هدایتگری نخواهند کرد.

این محقق و پژوهشگر در توضیح این مطلب با اشاره به خوارج که در مقابل حضرت علی(ع) قرار گرفتند، گفت: آنان افرادی متهمجد، قاری و حافظ قرآن بودند، اما عملاً به دلیل این که نتوانستند، تصویری از جامعه مطلوب اسلامی داشته باشند، نتوانستند ولیّ خود را بشناسند، نتوانستند اخبار و حوادث را تحلیل کنند، نتوانستند اولویت‌بندی کرده و اولویت‌های جامعه را طبقه‌بندی کنند، به جنگ امام زمان خود رفتند و حتی شاید به قصد قربت این کار را کردند.

آگاهی از اوضاع روز جامعه، توانایی تحلیل شرایط، شناسایی دوست از دشمن، این که ما به چه کسانی دل ببندیم و چه کسانی الگوی ما قرار گیرند و این که چه کسی ولیّ ما باشد، مجموعه‌ای از این مؤلفه‌هاست که اگر کسانی که در سلك جامعه قرآنی قرار دارند، به این‌ها توجه نکنند، با وجود علم به قرآن، هیچ‌گاه هدایتگری نخواهند کرد.

ایزدهی عنوان کرد: طبیعتاً با این توصیف، جامعه قرآنی جامعه‌ای است که در عین حال که از معارف قرآن آگاه است و از مجموعه سازمان‌دهی شده و غایت‌مداری از آموزه‌های قرآنی در راستای رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی آگاه است، علاوه بر این، باید به يك سری از مؤلفه‌های بیرونی و خارجی نیز واقف باشد.

مدیر گروه سیاست پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی خاطرنشان کرد: ما شاهد بوده‌ایم که برخی از علما با وجود علم‌شان و به علت این که درك سیاسی روز نداشته‌اند، نتوانسته‌اند دوست را از دشمن تشخیص دهند و با قصد قربت در راستای اهداف دشمن حرکت کرده و خلاف آن چه را می‌بایست عمل و رفتار کرده‌اند.

وی در جمع‌بندی این بخش از سخنان خود گفت: بنابراین و طبیعتاً، اگر قرار است کسی متصدی هدایت شود، باید جامعه قرآنی باشد؛ جامعه‌ای که مؤلفه‌های اساسی قرآن را در خصوص هدایت جامعه می‌شناسد؛ اما از این جهت که نمی‌توان به همین مقدار اکتفا کرد این جامعه و اعضای آن بایستی مؤلفه‌های دیگری را نیز به خود ضمیمه کنند که در نهایت حائز وصف بصیرت‌مداری شوند.

ایزدهی افزود: در این صورت است که می‌توان گفت اعضای این جامعه راه را از چاه باز می‌شناسند و می‌توانند مردم را ولو در نیمه‌های شب و تاریکی ظلمات به سمت مطلوب هدایت کنند و این انتظاری است که به طور طبیعی از جامعه قرآنی وجود دارد؛ چرا که قرآن و وحی نور است و به واسطه این که کسی دارای این نور باشد، می‌توان دیگران را به او سپرد تا در تاریکی و ظلمت‌ها آنان را به سمت مقصد هدایت ببرد.